



نوروز سرد قبله عالم!

سه‌شنبه‌سنة ۱۲۹۹ جمادی‌الاول [یک فروردین ۱۲۶۱ خورشیدی] تحویل خَمَل شد. ۲ ساعت ۵۶ دقیقه از شب گذشته، شب را بیرون در تالار عاج‌روبه‌نارنجستان شام مردانه خوردیم... خلاصه بعد از شام فاصله نکشید، رخت پوشیده از عمارت عاج که همه چراغان شده بود رفتیم به تالار موزه... خلاصه وارد تالار شدیم، رفتیم آن بالا بالا جلوس کردیم، علما مثل آقا سید صادق، امام جمعه، صدرالعلما و سایر مثل پارسال به تمامه بودند... بعد از تحویل عیدی داده شد به مراتب به همه، خیلی طول کشید، چهار از شب رفته به اتمام رسید... فردا هم در تالار شمس‌العماره سلام شد، سفرای خارجه هم در تالار موزه به حضور رسیدند. سرد میدان بزرگ رفتیم، جمیع ارادل بودند، کریم شیر، لوطی تبریزی، اسماعیل بزاز و غیره... شب هم در کوچه باب‌همایون آتش بازی شد... امسال کوه‌ها در شب عید به‌طوری برف است که هیچ وقت نبوده است. حتی کوه سوهانک‌الی دامنه آن پر برف است، بخاری‌ها همان طور مثل زمستان می‌سوزد. در حقیقت زمستان است. خیلی هم سرد.
 ناصرالدین شاه قاجار | ۱۲۷۵ - ۱۲۱۰

در هر بار تمرین پناهگیری، در محل‌های امن پناهگیری کنید تا انجام این عمل در زمان وقوع زلزله، نیاز به صرف وقت نداشته باشد.

بهترین راه برای زنده ماندن است. سال ۹۸ را پر امید شروع کنید!

نسیم اعتمادی (عکس)

بوی باران، بوی سبزه، بوی خاک
 شاخه‌های سسته، باران خورده پاک

آسمان آبی وابر سپید

برگ‌های سبز بید

عطر نرگس، رقص باد

نغمه شوق پرستوهای شاد

خلوت گرم کیبوترهای مست
 نرم‌ترکم می‌رسد اینک بهار
 خوش به حال روزگار...

محمود محرابی (صفحه آرایی)

همه ما می‌دونیم که زندگی کوتاهه ولی هیچ کدوم از ما نمی‌دونیم زندگی کوتاهه.

آرمین منتظری (بین‌الملل)

بالاخره تموم شد؟ نه! تازه شروع شد!

فاطمه رحیمی (رویداد)

اومدن به «شهر و ند» برای من مثل افتادن یک لوبیایی نیم‌پز به یک دیگ آش کاملاً جا افتاده بود و ۹ ماه گذشته به جا افتادنم طی شد و البته تلاش برای تأثیر گذاشتن به اندازه همون لوبیا، تلاشی که سهل بود و ممتنع و خیلی خیلی شیرین.

مهدی حسینی (عکس)

حال دلمون زمانی خوبه که فارغ از گذشته و آینده، حالمون رو به بهترین شکل زندگی کنیم، بدونیم که بر اساس تلاش‌مون قابل ستایش‌ایم نه داشته‌هامون، پس بی‌توجه به نتیجه تلاش کنیم، حال دلمون زمانی خوبه که حال تک‌تکمون خوب باشه.

محمد باقرزاده (جامعه)

از ۸۸ تا همین دو روز پیش به عینک ثابت داشتیم. دیگه جواب نمی‌داد. دو روز پیش کزادی، که البته شب بود، لحظه‌ای که از عینک فروشی اومدم بیرون، فلسطین به جور دیگه شده بود، همه چی حساب و کتاب و جزئیات داشت و اصلاً انگار فلسطین آزاد شده بود و منم انگار روز زمین نبودم، یه کمی انگار فاصله داشتم و هی مجبور بودم از زیر این شیشه‌های بزرگش اوضاع رو کنترل کنم... (خلاصه این که می‌خواستیم از این تغییر عینک و این چیزها به یه رویکرد تازه نسبت به جهان برسیم که خب ۱۰۰ کلمه‌ام داره تموم می‌شه و حالا که فکر می‌کنم می‌بینم دیگه به همین جدیده هم عادت کردم.)

سعید غلامحسینی (عکس)

یه رسمی که ما ایرانی‌ها تو نوروز داریم اینه که توی تصادفات جاده‌ای کشته بشیم.

به‌ناز مقدسی (آدم‌ها)

پارسال در همین سستون نوشتیم: «امسال خالی‌ام از حرف! قرارمون سسال دیگه همین جا» حالا رسیدیم به روز قرار و می‌خوام بگم: «تا ۱۴۰۰ حرفی با کسی ندارم. دوباره سسال دیگه نباید تکرار کنید ما یک چیزی بنویسیم تو این سستون.»

سعید پورزند (معاون سردبیر)

یا عماد من لا عماد له، یا سسند من لا سسند له، یا حرز من



شیرین آذربور (صفحه آرایی)

یک بار دیگه ثابت کردیم که پرنارزی و با قدرت ادامه می‌دیم.

یک‌سال دیگه هم گذشت، بمونیم برای هم.

پیمان مرادخانی (اداری)

آخرین روزهای اسفند است از سر شاخ این برهنه چنار مرغکی با ترنمی بیدار می‌زند نغمه نیست معلوم آخرین شکوه از زمستان است

حسین جمشیدی (روایت‌داغ)

زندگی زیباییست! همیشه که نباید زشتی‌ها و بدی‌های روزگار را مرور کنیم. در این روزهای سخت «امیدواری»

یا نخستین ترانه‌های بهار

(شغیعی کدکنی)

بریسلا اسلام‌زاده (دخول و خرج)

چه کسی می‌گوید با یک گل بهار نمی‌شود؟

امین فرج‌پور (روایت‌داغ)

به طاقتهی که ندارم، کدام بار کشم؟

حسین جمشیدی (روایت‌داغ)

زندگی زیباییست! همیشه که نباید زشتی‌ها و بدی‌های روزگار را مرور کنیم. در این روزهای سخت «امیدواری»

از بینگلدش تابوسنی

شاید برخی نفوذ فرهنگی نوروز در برخی کشورها را یادگار دوران سیطره ایرانیان قلمداد کنند که در پاسخ باید گفت بر فرض چنین باشد، اما امروز چه امروز چه چیزی انسان را مجبور به برگزاری مراسم نوروز می‌کند؟ همراهی دولت‌ها برای برگزاری این مراسم و گرد آمدن زیر چتر «جشن

تابوسنی

شاید برخی نفوذ فرهنگی نوروز در برخی کشورها را یادگار دوران سیطره ایرانیان قلمداد کنند که در پاسخ باید گفت بر فرض چنین باشد، اما امروز چه امروز چه چیزی انسان را مجبور به برگزاری مراسم نوروز می‌کند؟ همراهی دولت‌ها برای برگزاری این مراسم و گرد آمدن زیر چتر «جشن

لا حرز له، یا ذخر من لا ذخر له، یا کھف من لا کھف له، یا غیث من لا غیث له، یا کنز من لا کنز له، یا رکن من لا رکن له، یا نور النور، یا مدبر الامور، برحمتک یا ازحم الراحمین.

نیره خادمی (روایت‌داغ)

خسته‌ام از شعارهای تو خالی...
 خیلی وقت بود که می‌خواستم مطلبی درباره خشونت علیه زنان و کسانی که مدعی جنبش‌های منع خشونت هستند، بنویسم. آخر در این جامعه قشنگ ما کسانی هستند که همه جور ادعای مبارزه با خشونت علیه زنان، کودکان و در کل انسان‌ها، حیوانات و حتی گیاهان را دارند، اما خشونت از درون و بیرون آنها زیانه می‌کشد و هیچ کس از ترکش رفتار، گفتار و کردارشان در امان نیست. راستش وقت نمی‌شد چنین مطلبی بنویسم، حالا اما با یک تیر دو نشان زدم هم بالاخره نوشتم و هم کوتاه نوشتم. حالا هم به نظرم سال نور را اینطور شروع کنیم که هر آن چه که نمایش می‌دهیم همان باشیم.

امیر صادقی پناه (روایت‌داغ)

وقتی جمله‌ات نمیداد و علی‌اناری مجبورت می‌کنه یه چیزی بنویسی برای سال نو، مجبوری به این به خط اکتفا کنی: «ایشالا سال جدیدتون مثل تیم ملی ۹۸ پرخروش باشه.»

سعید اصغرزاده (معاون سردبیر)

عید درما بود، دیب گله داشت
 دنیا مال ما بود، دیب گله داشت.
 سفیدی پادشا بود، دیب گله داشت.
 سیاهی رو سیا بود، دیب گله داشت...
 حالا عید دیبا و دنیای دیبا و پادشاهی دیبا و سیاهی دیبا، بدون هیچ گله‌ای...

محمد اشعری (معاون سردبیر)

سرتان را درد نیآورم؛ رفیقی دارم که شاید این روزها روزنامه‌نگاران بهتر می‌شناسندش. او بابت ایستادگی برابر سرطان، دست‌ان‌نای نوشتن طولانی ندارد، حتی اگر این نوشتن و تایپ کردن به قاعده ۱۰۰ کلمه باشد. کم‌وبیش از دو سالی است که شیمی درمانی می‌کند و درک این حجم درد مدام برای من و شمامی که نعمت سلامتی داریم، شوخی است. با این همه، او با خنده‌های مداومش، با صبر بی‌مانندش و با عشقی که به زندگی دارد، برای من و مانماد امید نیست، خود امید است. همان آخرین برگ در داستان مشهور «آهنری» که سال‌ها کار تونش را دیده بودیم. همه آرزوهای ۹۸ من، نذر سلامتی او؛ مهدی شادمانی.

حسین قهار (روایت‌داغ)

به یه‌سال جدید دیگه رسیدیم...
 یعنی چی می‌شه؟
 دوستنتش با خداست، فهمیدنتش با تورا!

فرشته کیانی (ویرایش)

ز کوی یار می‌اید نسیم باد نوروزی
 از این بادار مدد خواهی چراغ دل صبرافروزی

رعنا درز لو (ویرایش)

سخن در پرده می‌گویم، چو گل از غنچه بیرون آیی
 که بیش از پنج روزی نیست حکم میر نوروزی

علی اناری (دانستنی‌ها)

«برخی با صدای خروس از خواب بیدار می‌شوند و برخی با طولانی شدن سکوت!»
 (هینینگ‌مانکل)

حتی بخش‌هایی از آسیای جنوب شرقی را در نظر بگیریم. شاید افرقا به نظر برسد اما گویی نوروز در تمام اعصار خود فرمان را در دست گرفته و مسیر را مشخص کرده است بدون آن که صاحب اصلی‌اش یعنی ایرانی‌ها قصد یا برنامه‌ای برای صدورش داشته باشند.

ثبت جهانی نوروز

این میان و برای ترسیم مرزهای نوروز، کشورهایی که به واسطه حضور مهاجران ایرانی و دیگر اقوام درگیر این عید باستانی شده‌اند را در نظر نیابیم که اگر چنین می‌شد بی‌شک اروپای مرکزی و غربی و به خصوص آمریکای شمالی نیز باید در این مرزبندی لحاظ می‌شدند. ثبت روز ۲۱ مارس به عنوان روز جهانی نوروز در تقویم سازمان ملل متحد که در سال ۱۳۸۸ خورشیدی رخ داد، ابداً اتفاقی بزرگ محسوب‌کر دامان‌کننده جالب‌ماجران جابود که بانی این طرح یعنی جمهوری آذربایجان در طرح پیشنهادی بر تبار ایرانی نوروز تأکید کرده و برخلاف موارد مشابه دیگر تلاشی برای مصادره آن به خرج نداد. در متنی که توسط مجمع عمومی سازمان ملل به تصویب رسید، نوروز جشنی با ریشه ایرانی که قلمتی بیش از ۳ هزار سال داشته و امروزه بیش از ۳۰۰ میلیون نفر آن را جشن می‌گیرند توصیف شده است.



تاجیکستان

جهانی نوروز» که چند سالی است برگزار می‌شود را چه می‌گویید؟ آیا جز این است که مردم و ایضا دولت‌ها به نوعی خویش را صاحب این جشن و مناسبت دانسته و در ضمیر ناخودآگاهشان خود را جدای از سرزمین مادر یعنی ایران نمی‌دانند؟ برای ترسیم مرزهای نوروز باید سراسر خاورمیانه، آسیای مرکزی، قفقاز، بخش‌هایی از چین، شبه‌قاره هند، شمال آفریقا و

نوروز را شاید بتوان پرنفوذترین مناسبتی به شمار آورد که از یک اقلیم خاص سر برآورده و دیگر سرزمین‌ها و اقوام را تحت تأثیر خود قرار داده است. این میان کریسمس و زانویه به عنوان رقیبان نوروز بیش از آن که مناسبتی خاص یک کشور باشند، آیینی مسیحی به شمار می‌روند که برخی کشورهای غیر مسیحی تنها به خاطر استفاده از تقویم میلادی و جبر دنیای نوین آن را پاس می‌دارند، اما این میان ماجرای نوروز کمی متفاوت‌تر است. شاید گستره عید باستانی ایرانی‌ها به اندازه کریسمس نباشد اما توجه به خاستگاه هر دو مناسبت است که قدر و قدرت آن را مشخص می‌کند. کریسمس به عنوان مناسبتی مذهبی و عجین شده با فرهنگ مسیحی پهنه‌ای از دریای ژاپن تا اقیانوس هند و دریای مدیترانه و اقیانوس اطلس را زیر سیطره خود دارد. این که چرا ژاپن شینتو مذهب و ترکیه مسلمان هم تعطیلات خود را با ایام کریسمس هماهنگ می‌کنند بیشتر اقتصادی گلوبالیستی و جهانی است تا نشانه نفوذ فرهنگی، اما نوروز به عنوان عید ملی ایرانیان چنین قیدی ندارد و هیچ کس مجبور نیست پایش داشته یا خود را با آن هماهنگ کند.